

مشت بعد از جنگ

همگامی دولت افغانستان با محکمه جنایات بر علیه بشریت یا

«ICC»



www.shutterstock.com · 1383842291

اخيراً خبر مهمی در جرايد و اخبار و حتی در صفحات «محکمه جنایات علیه بشریت یا - ICC» مثل بم منتشر گردید که بصورت غیر قابل باور از موافقه دولت افغانستان به نمایندگی حنیف اتمر وزیر خارجه افغانستان که به معیت یک هیئت قضایی به شهر هالندی «لااه» مرکز «محکمه بین المللی جنایات علیه بشریت» مسافرت نمود، اطلاع میداد.

برای اینکه چنین جریان مهمی را که سال ها به فراموشی سپرده شده بود بیشتر توضیح نموده باشیم، بهتر است مختصراً به چگونگی فعالیت و ارزش این مؤسسه حقوقی و قضایی معتبر و وظایف خاص آن روشنی انداخته شود.

گرچه محکمه جرائم بین المللی که به نام «محکمه لاهه» بیشتر شهرت دارد از سال های طولانی جنایتکاران ملل مختلفه، حتی مجرمین سیاسی را که جنایات و مظالم شان در حق مردم آن کشور ها صورت گرفته است، به پای میز عدالت کشانیده است که تفصیلات گوناگون آنرا در مطبوعات شاهد بوده ایم؛ ولی با اینکه شخصیت های شناخته شده و گروپ های متفرقه فراوانی در افغانستان از همان آغاز کشتار های بی حساب و کتاب عصر جمهوریت اول تا این دم در افغانستان دست به جنایات متفرقه زده اند، اما چون خود اولیای امور حکومت مجاز ندانسته اند، تا به حال هیچ جنایت

کاری را «محکمه لاهه» نتوانسته به پای میز بازخواست بکشاند، ولو که اسمای بسیاری در لست مؤسسات حقوق بشر اعلام شده و اثبات جرائم آنان هم موجود بوده است.

خوشبختانه از سال ۲۰۰۳ تشکیل حقوقی جدیدی تحت عنوان «محکمه بین المللی جرائم علیه بشریت یا ICC» در اروپا آغاز به کار نمود که اعضای آن از حقوقدانان خبره جهانی تشکیل گردیده و سیستم فعالیت شان بیشتر با دولت هایی است که اکثراً مجرمین جنایی خود را با معاذیر اجتماعی بازخواست نتوانسته و به نحو غیر مستقیم با محکمه مذکور در چنین زمینه ها همکاری می نمایند. نظر به اهمیت موضوع، تعقیب قضایی مجرمین جنگی افغانستان و ارتباط این محکمه به برقراری عدالت که برای اولین مرتبه چند سال قبل در مورد بازخواست جنایتکاران جنگی در کشور، مطرح گردید، چگونگی فعالیت این تشکیل را به ارتباط با مسئله مجرمین خارجی و داخلی در افغانستان، مختصراً مورد بحث قرار می‌دهیم.

گرچه تشکیل حقوقی دیگری در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴ بعد از مصاحبه ها و تحقیقات وسیع با تقریباً ۶۰۰۰ سکنه شاهد در رویداد های افغانستان در سر تا سر کشور با اثبات جرایم گوناگون از عصر جنگ های مختلف افغانستان بعد از نیمه قرن بیستم، راپور دقیقی تهیه نمود که حاصل کار ده ها حقوق دان خارجی و داخلی بوده است. این جریان که به نام « پروژۀ داد خواهی یا عدالت افغانستان» شهرت دارد، در همان آوان ذریعۀ کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به «حامد کرزی» رئیس دولت وقت، سپرده شد تا عدالت انتقالی را برقرار نماید که با شناختی که از نامبرده موجود است، این اقدام و عملیۀ ملی هرگز صورت نپذیرفت؛ مخصوصاً که آغوش وی برای اکثریت آن جنایتکاران جنگی و متخلفین و همکاری و قدرمندی آنان از آغاز کار، همیشه باز بود که نتیجۀ آن امروز هم اظهر من الشمس است!!

با تشدید جنگ در افغانستان، تلاش سازمان های حامی حقوق بشر برای به محاکمه کشانیدن مرتکبین جنایات جنگی در افغانستان نیز افزایش یافته است. افغانستان که در سال ۲۰۰۳ عضویت محکمه بین المللی جرایم را به دست آورد، در سال ۲۰۰۷ خارنوال آن محکمه روند بررسی مقدماتی را در مورد ارتکاب جنایات جنگی در افغانستان آغاز کرد. هدف از بررسی مقدماتی این بود تا واضح شود که آیا هر سه قوای شامل در جنگ یعنی قوای مسلح افغان، نظامیان امریکایی و گروه های ضد حکومت افغانستان چون طالبان، پس از اول می ۲۰۰۳ دست به اعمالی زده اند که جنایات بر علیه بشریت محسوب گردیده و صنف بندی کردند.

در عصر ریاست جمهوری اشرف غنی در سال ۲۰۱۷ «محکمه بین المللی جرایم بشری» که تعداد زیادی دوسیه های مجرمین جنگی، طالبان جنایت کار و حتی عساکر امریکایی و ناتو را که در حقیقت قابل بازخواست آن مؤسسه بودند به رئیس جمهور افغانستان اطلاع داد تا اجازه تعقیب قانونی آن ها را فراهم نمایند و تا حدی موافقت رئیس دولت را هم حاصل نمود، ولی زمانی برای آن تعیین نگردید. متأسفانه در همان زمان شرایط طوری که باید، تنظیم میگردید به موانع برخورد، که مختصراً توضیح میگردد:

(.... چند روز قبل خبری به دست آمد از آژانس «رویترز» که تصمیم در مورد آغاز کار رسمی تحقیقات «محکمه بین المللی جرائم بر علیه بشریت»، در افغانستان معطل گردید.

«خانم فاتو بنسوده» خرنوال محکمه بین المللی جرایم جنگی، به خبرگزاری رویترز اطلاع داده است که در پهلوی خلاف کاری های مخالفین دولت، طالبان و قوای مسلح افغانستان، خلاف ورزی احتمالی نظامیان امریکایی هم در کشور افغانستان باز خواست خواهد شد. وی اظهار داشت که قرار بود تحقیقات در ماه نوامبر امسال «همان سال ۲۰۱۷» آغاز شود، اما به گفته وی تأخیر ارسال معلومات "مستدل" جدید از کابل، آغاز تحقیقات را به تأخیر انداخت.

رویترز، از قول «خانم بنسوده» نوشته است که حکومت افغانستان معلومات جدید و زیادی در زمینه جرائم ارسال کرده است، که در تصمیم گیری برای آغاز تحقیقات نهایت مؤثر است.

محکمه بین المللی جرایم عموماً قضایایی را بازرسی می کند که حکومت عضو این تشکیل مانند افغانستان، مستقلانه توانایی تحقیق و اقدام بر علیه آنرا نداشته یا هم مایل به انجام این کار نمی باشند. با اینکه در ۱۴ نوامبر سال گذشته «سال ۲۰۱۶» خرنوالی محکمه مذکور اعلام نمود که آماده است که بزود ترین فرصت تحقیقات رسمی و امور بازخواست متهمین جرائم جنگی را در افغانستان آغاز نماید، ولی چند روز قبل خبری منتشر گردید که گویا حکومت افغانستان کار عملی این محکمه را برای یک سال دیگر به تعویق انداخته است. امید این موضوع برای دلخوشی و رفاء مجرمین مختلفه صورت نه گرفته باشد).

گرچه دامنه جنایات بر علیه بشریت در افغانستان از همان عصر جمهوریت اول و عدم وجود محاکم و اعدام های مختلفه و بی بازخواست آغاز و در مراحل جنگ های خونین بعدی و گروپ های مختلفه سیاسی، به نحوی تا به حال دوام دارد، ولی افسوس که فعالیت فعلی محکمه در مورد بازخواست از جنایت کاران علیه بشریت در حقیقت بالای اعمال آنانی صورت می گیرد که گویا بعد از تشکیل این مؤسسه حقوقی و قضایی جدید از سال ۲۰۰۳ و شمول رسمی افغانستان در آن،

مرتکب تخطی های جنایی شده اند. درین صورت خلاف کاران جامعه خونین افغانی ذریعه اصول این محکمه صنف بندی میگردند که در آن میتوان از مرتکبین «نسل کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی» نام برد و دقیقاً متهمین این گروه ها گروه جنایتکاران طالب به شمول «گروه آدم کشان حقانی»، قوای بین المللی «ناتو» به سرکردگی امریکا، مثلاً «سی آی ا» و قوای امنیتی، یعنی پلیس و اردوی افغانستان را هم شامل میگردند.

در ماه می سال ۲۰۱۷ هیأتی به سر کردگی خانم گیسو جهانگیری، معاون فدراسیون بین المللی حقوق بشر با شماری از سایر فعالان حقوق بشر در افغانستان برای ملاقات با مقام های «محکمه بین المللی جرایم بشری» به مقر آن محکمه در شهر لاهه – هاگ هالند مسافرت نمودند، آنان جداً خواستار آغاز هر چه زودتر مرحله تحقیقات در مورد جنایات جنگی در افغانستان شدند. خانم جهانگیری در راپوری اطلاع داد که «محکمه بین المللی جرایم» مصمم است که در سه حوزه تحقیقات خود را پیش ببرد: "نسل کشی، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی".

با اینکه از جانب دولت افغانستان قبول گردیده بود که کار تحقیقات این مؤسسه حقوقی به زودی آغاز گردد، ولی گویا با پیمان صلحی که حکومت با گلبدین حکمتیار و حزب اسلامی در سپتمبر سال ۲۰۱۶ امضاء نمود، به نحوی بر تأخیر در آغاز کار «محکمه بین المللی جنایات بشری»، تأثیر گزار گردید، چونکه حزب اسلامی در حقیقت دومین گروه مخالفین مسلح دولت افغانستان را بعد از طالبان تشکیل میداد. گرچه چنین اقدامی از جانب دولت افغانستان باعث قناعت مندی بعضی از گروه های ذینفع گردیده، ولی موجبات نا رضایتی اکثریت مردم کشور و مخصوصاً فامیل های شهداء و مجروحین و مؤسسات حقوق بشر را فراهم نمود.

از ۱۸ سال قبل که افغانستان شرائط تحقیقات و بازخواست جنایت کاران جنگی را در کشور رسماً پذیرفته است، مدت طولانی ای سپری گردیده تا «عملاً» با قبولی رئیس جمهور اشرف غنی این محکمه بتواند شرائطی را فراهم نماید که پای جنایتکاران و متخلفین بر علیه بشریت، به بازخواست و پیگیری قانونی کشانیده شود.

البته در همان آوان، «دونالد ترمپ» رئیس جمهور امریکا شدیداً فعالیت های محکمه مذکور را نفیہ اعلام نموده و تهدید چنین بازخواستی را در مورد عساکر امریکایی رد نمود. نامبرده حتی مسافرت اعضای آن مؤسسه بین المللی، منجمله رئیس آن «خانم فاتو بنسوده» را به امریکا و ملاقات با اعضای ملل متحد، منع قرار داد که البته با انتخاب «جو بایدن» این قید کاملاً رفع گردید.

حال با تشریحات وابسته بالا، آیا در شرائط شکنن و اوضاع نا بسامان افغانستان که هنوز عساکر امریکا و ناتو قسمی در کشور موجود هستند و نا آرامی، قتل و قتل شاگردان، جوانان و هر گروهی از مردم مظلوم کشور و حتی تصرف ولسوالی ها و مناطق حساس ذریعه طلبان و مخالفین و قاتلین حرفوی، به شدت و سببیت فاجعه بعد از فاجعه خلق می نماید، مسافرت وزیر خارجه که خود میتواند با سوابقش در سازمان جهنمی «خاد» و عمال گذشته سیاه و آشکارای خویش در عصر خونین و ظنفروشان «خلق و پرچم» و اشغال وطن، مورد بازخواست قرار گیرد، به منزله «مشت بعد از جنگ»، چه نتیجه عملی ای را می تواند حاصل نماید؟! مگر درین اوضاع ناهنجار و عدم استقرار در وطن، میشود جنایتکاران جنگی را به میز محکمه کشانید؟ مثلاً ۵۰۰۰ طالبی را که تعداد زیاد آن جنایتکاران محکوم به اعدام بودند که بدبختانه آزادی شان به قوای آدمکشان جنایتکار حرفوی افزود که حملات و کشتار های گوناگون را دامن میزند، چگونه توقیف و مجازات نمود، در حالیکه همه با فشار امریکا بر دولت افغانستان، رها گردیدند؟! اصلاً در شرایط شکنن امروزی، علت مسافرت این هیئت و قول و قرار شان چه نتیجه ای را بار می آورد؟! حال مختصری بر تأثیر مسافرت هیئت افغانی به سرکردگی حنیف اتمر در مطبوعات خارج کشور، نظری می اندازیم:

اول: انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با معرفی و ارزشمندی «محکمه جنایات بر علیه بشریت» در زمینه مسافرت وزیر خارجه افغانستان و وعده همکاری به آن مؤسسه حقوقی بین المللی را به ارتباط جنایات ضد بشری گوناگونی که در افغانستان رو به تزايد می باشد، با ارائه مثال هایی از انواع رویداد های خونینی که کشور ما را هر چه بیشتر و بصورت عموم آماج جنایات فجیع قرار میدهد، تشریحاتی ارائه نموده است که کاملاً به نحوه فعالیت آن مؤسسه حقوقی جهانی مربوط می باشد. طور مثال انجمن، تراژیدی خونین حقوق بشر را در دشت برچی و لوگر با انواع حملات کشنده سازمان یافته و قتل های هدفمند بر فامیل ها، کارمندان جامعه مدنی، معلمین، کارکنان مطبوعات و حوادث خونین در ولایات مختلفه بر غیر نظامیان و امثال آنها متذکر می گردد. همچنان این انجمن اغماض و پرده پوشی در قضایای خونین و غیر بشری ای را از جانب اولیای امور که به محاکمه بین المللی جنایات بشری ارتباط می گیرد، غیر عادلانه دانسته و باعث صدمه رسیدن به اعتبار جامعه و دیوان جزای بین المللی میداند.

دوم: در مورد مسافرت وزیر خارجه و هیئت قضایی افغانستان به هالند و توافق با فعالیت قضایی «محکمه بین المللی جنایات علیه بشریت»، هم چنان آقای اعظم سیستانی یکی از مطبوعاتیانی که

در وبسایت افغان جرمن مقالاتی در زمینه بعضی از رویداد های تاریخ افغانستان به پشتیبانی از مؤرخین داخلی تحریر میدارد، نوشته ای به نشر سپرده است که نکات قابل تأمل متعددی را دارا می باشد. البته زمانیکه موضوع مورد بحث مختص به جریان خاصی باشد، مباحثه نباید از همان محدوده معین تجاوز نماید و به مسائل غیر وابسته و حتی نقیض آن برخورد نموده ذهن خواننده را مغشوش و متفرق گرداند. نوشته آقای سیستانی تحت عنوان «**بدون محاکمه مجرمین جنگی، عدالت و صلح برقرار نمی شود**»، به تاریخ ۱۹ ماه می سایت افغان جرمن منتشر گردیده و از قضاء در زمره مضامین برگزیده آن سایت جا خوش نموده است.

۱ - در پرنسیپ، عنوان مضمون که در حقیقت اکثراً چوکات موضوع مورد بحث را احتواء می نماید، حتماً باید جامع باشد، درین زمینه بحث «**صرف**» در مورد وظایف و صلاحیت های «**محکمه بین المللی جنایات علیه بشریت**» است که به ذات خود از تشکیل، قواعد، اصول و شرائط مجزای حقوقی کاملاً بخصوصی برخوردار میباشد، تا حدی که حتی سوا از اساسات محکمه بین المللی قدیمی «**هاگ - لاهه**» بوده و نمیتواند در زمره مقررات مجموعی و حقوقی مؤسسات دیگر و یا ممالک بصورت عموم مخلوط گردد!! پس عنوان مذکور که مختص به محاکمه «**مجرمین جنگی**» قلمداد گردیده است، صرف یک قسمتی از اصول و وظایف آن محکمه مهم را میتواند احتواء نماید، نه همه آن را!

۲ - در حالیکه تلاش ملیگرایان و وطن دوستان برای حفظ کلتور و اصالت السنه ملی مروج افغانی مخصوصاً زبان دری عنعنوی که مهد و پیدایش آن کشور ماست، از تجاوزات سخیف آخوندی ایران ادامه دارد، چگونه با تاسی از اکثر مطبوعات فروخته شده افغانستان، کلمه حقوقی «**محکمه**» را که سابقه طولانی در امور قضایی بین المللی و داخلی دارد به «**دادگاه**» که دقیقاً در کشور ایران همیشه مروج بوده، بکار ببریم؟! در حقیقت هیچ اجباری برای تعویض کلمات و اصطلاحات مروجیه محیط خویش را با آنچه ایران به عنف صادر می نماید، نداریم!

۳ - اینکه به فرموده آقای سیستانی، بدون محاکمه «**محاکمه**» مجرمین جنگی، عدالت و صلح برقرار نمیشود، حقیقت دارد. در افغانستان معاصر، از آغاز کودتای منحوس ثور تا ایندم که گروه های مختلفه به قدرت رسیده اند، انواع گوناگون مجرمین جنگی جامعه افغانی را به خون و آتش کشیده اند که جنایتکاران جنگی بدون تبعیض همه در خور بازخواست و محاکمه هستند! ولی آیا میشود در قضاوت و ارزیابی قضایای اجتماعی و تاریخی یک سرزمین، گروهی را مجرم و جانی قلمداد نموده و گروه دیگری را بری الزمه دانست؟! اگر قضاوت چنین باشد، پس آنانی که زمینه اشغال سرزمین

مقدس افغانستان را با اتحاد شوروی کارسازی کرده و در کمیته مرکزی و شورای انقلابی جا خوش نمودند، وطن پرستان قابل افتخار اند که اکثراً با خفت به دامن غرب پنا برده و بر ملت مظلوم و جنگ دیده افغانستان میخندند! سطور بالا مربوط چهار تصویر است در مضمون منتشره آقای سیستانی که دوی آن، از مظالم و تخریبات کابل در عصر خون و آتش تنظیم های تشنه قدرت و مقام جهادی در سال ۱۹۹۲ نمایندگی می نماید و دومی، بلی دومی که عمل وحشیانه عصر تاریک طالبان را به تصویر میکشد هم به زعم آقای سیستانی در سال ۱۹۹۲ واقع «؟!» شده است. البته که در منابع تاریخی ای که نویسنده مضمون مذکور به یقین مطالعه می نمایند، یقین طالبان در آخرین سال عصر خونین و ناکام «برهان الدین ربانی» که ۱۹۹۶ باشند که با فرار دادن دولت جمعیت و شورای نظار، بر کابل تسلط حاصل نمودند، نه در سال ۱۹۹۲.

البته تصاویر خون و آتش اشغال ددمنشانه سرزمین ملت مظلوم افغانستان که جنایات واقعی بشری را با استعمال عصری ترین ماشین جنگی اتحاد شوروی به تصویر بکشد و در پهلوی ملیون ها کشته، چندین ملین آواره را مجسم نماید، از میانه غایب میباشد که البته محتویات مضمون مورد بحث را زیر سؤال می برد. بدون شک حادثه المناک هفت ثور و عواقب خونین آن تا ایندم موجبات بربادی افغانستان، مملکت آزاد و غیر منسلک و تباهی یک ملت مظلوم را سبب گردیده است!

۴ - در مضمون متذکره، به مسائل حقوقی ای اشاره شده است که قبل از سال ۲۰۰۳، یعنی کار محکمه مورد بحث است و یا به نحوه فعالیت آن تشکیل حقوقی ربطی نمی گیرد، مثلاً غصب زمین های شیرپور که حامد کرزی را میتوان مقصر و گروه های تنظیم ها را که چنان عملی را مرتکب شدند، گناه کار دانست، ولی این موضوع اصلاً به «محکمه جنایات علیه بشریت» ربط نمیگیرد، همانطور ده ها جرمی که مرتکبین آن بازخواست نگردیده و در مقاله لست شده است.

در مورد «پروژه عدالت افغانستان» که جنایات علیه بشریت، اکثر صفحات آنرا تشکیل میدهد، متأسفانه همانطور که قانون به عقب بر نمیگردد، محکمه مذکور هیچ اقدامی در زمینه نمیتواند، پس ملیون هایی که عزیزانشان در عصر خون و آتش خلقی - پرچمی و تنظیمی کشته، ناپدید و مجروح شده اند و همه ساله در مظاهرات اجرای عدالت را از دولت خواهان میگردند، بعد از دو دهه هنوز نتیجه ای برای درخواست آن بینوایان بدست نیامده است، از صلاحیت محکمه مذکور خارج است.

۵ - در نتیجه گیری آقای سیستانی تذکر میدهد که در صورت عدم وجود قوای امریکا در شرایط فعلی «؟!» دولت افغانستان بهترین تصمیم را برای تحقق عدالت و آوردن صلح در کشور گرفته است!

یعنی با مسافرت هیئت قضایی و حنیف اتمر به هالند، مجرمین جنگی و جنایت «؟» بر علیه بشریت را به پای میز محاکمه «محاکمه» بین المللی لاهه «!؟» بکشاند و با کمک آن دادگاه «محکمه»، جنایتکاران جنگی را به سزای اعمال شان برساند و بر قلوب مردم داغ دیده «دیده» خود مرهم گذارد و اعتماد مردم را برای تامین عدالت و تحقیق صلح بیشتر از پیش میسر سازد.

حال، هر بازخواست و محکمه ای که در قضایای افغانستان ذریعۀ «محکمه بین المللی جرائم علیه بشریت» صورت گیرد، باید در زمینه اعمالی باشد که بعد از سال ۲۰۰۳ یعنی آغاز کار محکمه و در همان کتیگوری خاص، صورت گرفته است. پس اینهمه تفصیل در مورد مجازات مجرمین قبل از آن تاریخ و یا موضوعات پلیس و قضاء از موضوع این بحث دقیقاً خارج بوده و سبب سرگردانی و سوء تفاهمات میگردد، همچنان که اشاره به «محکمه بین المللی لاهه» شده است که هیچ ربطی به مؤسسه مورد بحث و جریان آن ندارد. البته طریق فعالیت قضایی و بازخواست «محکمه بین المللی جنایات بشری» هم به ارتباط مظالمی که از بیشتر از چهار دهه بر ملت افغانستان عارض گردیده است، ناممکن میباشد که اگر آن مؤسسه روزی بتواند ۱۰ نفر را محکمه نماید، مرحمی بر درد ملیون ها هموطن داغدار نخواهد بود که عزیزان شان دهه ها قبل کشته شده اند. در مورد مباحثات حقوقی، قضایی، قانونی و امکانات عملی و غیر عملی، نباید هر آنچه نمیدانیم، افشاء گردد. در بعضی سایت ها مجال و اجازه مستعار نویسی افراطی موجود است، مثلاً شناخته شده ای با استعمال یک اسم، تعریف نوشته خویش را نموده و به اسم دیگری تشکر می نماید و همینطور در مذمت دیگران، شناسایی گردیده که از چپ و راست انتقادات غیر موجهه بر هموطنان نثار مینماید، غافل از آنکه سالهاست همه گان به روش سازمانی وی بلد هستند.

به هر رنگی که خواهی جامه میپوش... من از طرز خرامت می نشاسم. یک نکته درین معنی گفتیم و همین باشد!

پایان